

، رابرت وانوی ، تاریخ عهد عتیق، درس ۱۵

روایت طوفان (پیدایش ۶-۹)

ه. داستان سیل

وسعت سیل ۲. مدت سیل ۱.

بحث خود را در مورد پیدایش ۶-۹، داستان سیل، آغاز می‌کنیم و در مورد ۱. تحت عنوان «گسترده‌گی سیل» بحث کردیم ۲. جایی است که ما به آن می‌پردازیم، یعنی «مدت سیل»، و فقط یک توضیح بسیار مختصر در آنجا داریم. شما در فصل ۷، آیه ۱۱ می‌خوانید: «در ششصدمین سال زندگی نوح، در ماه دوم، هفدهمین روز ماه، همان روزی که چشمه‌های ژرفای عظیم شکافته شد و پنجره‌های آسمان گشوده شد.» بنابراین، این هفدهمین روز از دومین ماه از ششمین سال نوح است. در پیدایش ۸:۱۴ می‌خوانید که در دومین ماه، در هفتمین و بیستمین روز ماه، زمین خشک شد. بنابراین در بیست و هفتمین روز از دومین ماه سال بعد، زمین به اندازه کافی خشک شد تا دوباره قابل سکونت شود. بنابراین شما یک سال به علاوه ۱۰ روز دارید. بحث‌های زیادی در این مورد وجود داشته است که من قصد ندارم به جزئیات آن بپردازم. سوالاتی مانند اینکه آیا نویسنده از سال شمسی صحبت می‌کرد یا سال قمری؟ اگر می‌خواهید تعداد دقیق روزها را بدانید، البته ما به سیستم سال شمسی عادت داریم. اکثر فرهنگ‌های باستانی از سال قمری استفاده می‌کردند. این امر در تعداد کل روزها تفاوت ایجاد می‌کرد. اما در هر صورت، تقریباً یک سال است. ده روز بیشتر از یک سال. بنابراین، همانطور که در کلاس قبلی بحث کردیم، این یک سیل سالانه معمولی نبود. این سیل چیزی به بزرگی و بی‌نظیری بود.

۳. علت سیل

در برگه شما آمده است: «علت سیل.» می‌خواهم کمی در مورد علت آن بحث کنم. فکر می‌کنم این ۳. موضوع را در فصل ۶، آیات ۵ تا ۸، جایی که می‌خوانید، مشخص کرده‌اید: «خداوند دید که شرارت انسان در زمین بسیار است و هر خیال از افکار قلب او دائماً شرارت است. و خداوند پشیمان شد که انسان را بر روی زمین ساخته است و او را در دل خود غمگین کرد و خداوند گفت: «انسان را که از زمین آفریده‌ام، نابود خواهم کرد، هم انسان و هم حیوانات و خزندگان و پرندگان هوا را، زیرا از ساختن آنها پشیمان شدم.» حال، این یک جمله بسیار قوی در مورد شرارت انسان به عنوان علت دآوری خداست. اگر در آیه پیدایش ۵:۶ تأمل کنید، فکر می‌کنم می‌بینید که چگونه صفات عالی روی هم انباشته شده‌اند، می‌توان گفت. شدت شرارت زیاد بود. شرارت انسان زیاد بود. شدت شرارت با درون شرارت زیاد بود. هر تصویری از اندیشه قلب او شر بود. شمول شر: این هر تصور قلب اوست. انحصار شر فقط شر بود. و سپس تداوم شر: تمام روز. کینگ جیمز می‌گوید "مداوم." به معنای واقعی کلمه در عبری "تمام روز" بود. بنابراین شدت، باطن، شمول، انحصار و تداوم آن را می‌بینید. اگر به آیه نگاه کنید، نظر دیگری در مورد شر دارید. اگر چند آیه بعد در آیه ۶:۱۲ را ببینید، "خدا به زمین نگاه کرد ۶:۱۲

و دید که فاسد شده است، زیرا تمام بشر راه خود را بر زمین فاسد کرده‌اند." و سپس ۸:۲۱ می‌گوید: "دیگر زمین را به خاطر انسان نفرین نخواهم کرد، زیرا خیال دل انسان از جوانی‌اش شر است." به عبارت دیگر، شر ذاتی است؛ آموخته نمی‌شود. چیزی پس از سقوط که مشخصه انسان به عنوان انسان است. او ذات گناهکاری دارد. او از جوانی شر است. بنابراین وقتی در مورد علت سیل صحبت می‌کنیم، منظور شرارت انسان است. خدا تا این لحظه آن را به حال خود رها کرده بود، گویی بی‌محابا، و سپس داوری به شکل سیل از راه می‌رسد.

#### پسران خدا و دختران آدمیان - پیدایش ۶: ۱-۴

حال، فصل ۶ پیدایش و آن آیات، به ویژه آیه ۵، اما آیات ۵ تا ۷ که در مورد دلیل سیل صحبت می‌کنند، قبل از قسمتی آمده‌اند که بحث‌های زیادی را در رابطه با تفسیر ایجاد کرده است. این همان قسمتی است که در مورد آن می‌خوانید، جایی که ازدواج پسران خدا با دختران آدمیان وجود دارد. ۶: ۱-۴. من فکر می‌کنم Vos آنچه در پیدایش ۶: ۱-۴ می‌بینید، تصویر یا نمونه‌ای از نوع شرارتی است که خداوند در آیه ۵ از آن صحبت می‌کند. حالا بیایید ۶: ۱-۴ را بخوانیم». هنگامی که آدمیان شروع به تکثیر بر روی زمین کردند و دخترانی برای آنها متولد شدند، پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که زیبارویند و از هر که برگزیدند، برای خود همسر گرفتند. و خداوند فرمود: «روح من همیشه با انسان خواهد جنگید، زیرا او نیز بشری است و عمرش ۱۲۰ سال خواهد بود.» (و در آن روزگار، غول‌هایی در زمین بودند. و هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان درآمدند و برای آنها فرزندان به دنیا آوردند، آنها مردانی قدرتمند شدند که از پیران نامدار بودند.» حال، البته، سوال این است که در اینجا چه چیزی توصیف می‌شود؟ شرارت یا گناهی که در این رابطه بین پسران خدا و دختران آدمیان دخیل بود، چه بود؟

تعدادی دیدگاه وجود داشته است. اولین دیدگاه، ایده اسطوره‌ای است که مشخصه محققان الف. رویکرد اسطوره‌ای منتقدی است که فرض می‌کنند به ویژه کتاب پیدایش حاوی مطالب افسانه‌ای اسطوره‌ای زیادی است که به سادگی از مطالب خارج از کتاب مقدس گنجانده شده است. ایده این است که موجودات الهی مجذوب زیبایی زنان زمینی شدند، با آنها ازدواج کردند و سپس نژادی از قهرمانان غول‌پیکر دوران باستان، مردمی با قدرت و نیروی فراوان، را به وجود آوردند. ایده این است که این چیزی نیست که واقعاً اتفاق افتاده باشد، فقط یک نوع افسانه است. من فکر می‌کنم دیدگاه ما از عهد عتیق، این را به عنوان یک درک ممکن از آنچه اتفاق می‌افتد، رد می‌کند.

#### ب. دیدگاه فرشتگان

دیدگاه دوم بسیار رایج‌تر است، به‌ویژه در کلیسای اولیه رایج بود و امروزه کاملاً کنار گذاشته نشده است و آن این ایده است که پسران خدا اشاره به فرشتگان، موجودات روحانی است و اینکه آنها با زنان وارد رابطه

فیزیکی شدند. فرزندان این اتحاد، مردان قدرتمند، یعنی نفالی‌ها بودند که در آیه ۴ توصیف شده‌اند. حال، من مطمئن نیستم که این بهترین دیدگاه باشد، و به نظر من برخی ایرادات جدی وجود دارد. مورد اول این است که در آیه ۳، مجازات برای مردان است، نه فرشتگان. به عبارت دیگر، اگر فرشتگانی باشند که از جایگاه مناسب خود تجاوز کرده و وارد این رابطه با زنان شده‌اند، انتظار می‌رود که داوری بر فرشتگان باشد، نه بر مردان. در حالی که در آیه ۳ می‌خوانید، خداوند می‌گوید: «روح من همیشه با انسان نخواهد جنگید و روزهای او شمرده می‌شود، فقط ۱۲۰ سال قبل از طوفان خواهد بود» «و داوری بر آنها نازل می‌شود». ثانیاً، فرشتگان نه در اینجا و نه حتی در متن گسترده‌تر ذکر نشده‌اند. شما تعجب می‌کنید که اگر قرار است این اشاره به فرشتگان باشد، چطور ناگهان این اشاره به فرشتگان را مطرح می‌کنید. سوم اینکه، و من این را از ویلیام هنری گرین می‌گیرم. ویلیام هنری گرین در اوایل قرن بیستم استاد عهد عتیق در مدرسه علمیه پرینستون بود. فکر می‌کنم قبلاً از او نام بردم. او کسی بود که در روزهایی که نظریه‌های ولهاوزن برای اولین بار عمیق تلقی می‌شد و دنبال می‌شد، با او تعامل داشت. و او یک محقق عالی است. اما او می‌گوید: «مفهوم فرشتگانی که می‌توانند وارد رابطه جنسی شوند، کاملاً با تفکر عبری بیگانه است» «و احساس می‌کند که هیچ مبنایی در کتاب مقدس وجود ندارد که تأیید کند این چیزی است که حتی ممکن تلقی می‌شود. سپس او به گفته عیسی اشاره می‌کند که در بهشت ما مانند فرشتگان هستیم، نه ازدواج می‌کنیم و نه به ازدواج داده می‌شویم. از آنچه کتاب مقدس می‌گوید، به نظر نمی‌رسد که فرشتگان موجودات جنسی باشند. بنابراین من مطمئن نیستم که این دیدگاهی باشد که شایسته بررسی جدی باشد. کسانی که این دیدگاه را پذیرفته‌اند معمولاً به آیه ۶ از یهودا استناد می‌کنند. و شما در آنجا، در یهودا ۶، می‌خوانید: فرشتگانی را که مقام والای خود را حفظ نکردند، بلکه مسکن خود را ترک کردند، در زنجیرهای ابدی در «تاریکی تا روز داوری عظیم نگاه داشته است» «ایده این است که یهودا ۶ با این متن مرتبط است و اشاره یهودا ۶ به فرشتگانی که مسکن خود را ترک می‌کنند، فرشتگانی هستند که آسمان را ترک می‌کنند تا به زمین بیایند و وارد این رابطه شوند. من در ارتباط با متن یهودا ۶ مطمئن نیستم که ترک مقام والای خود و مسکن خود را باید به عنوان چیزی مکانی درک کرد. من فکر می‌کنم بیشتر این ایده است که این حوزه عملکرد آنهاست که خداوند به آنها داده بود. من مطمئن نیستم که این چیزی باشد که باید به عنوان مکانی درک شود، بلکه حوزه قدرت عملیاتی است که به آنها واگذار شده است، و آنها تصمیم گرفتند وقتی شیطان شورش کرد و دیگران با او همراه شدند، از آن خارج و فراتر روند. بنابراین من خیلی مطمئن نیستم که متن یهودا ۶ واقعاً به این متن مربوط باشد، اما معمولاً برای حمایت از این دیدگاه فرشته به این متن استناد می‌شود.

### ج. دیدگاه شیئی

دیدگاه سوم، که احتمالاً رایج‌ترین دیدگاهی است که امروزه با آن مواجه می‌شوید، دیدگاهی است که ووس و دیگران نیز از آن حمایت می‌کنند، و آن این است که پسران خدا و دختران آدمیان معادل دودمان‌های شیث و

قابیلی هستند. و این دو دودمان پیش از این در کتاب پیدایش در مقابل هم قرار گرفته‌اند. ما در آخرین جلسه کلاس خود به آن پرداختیم. دودمان قابیلی با بی‌خدایی و شرارت مشخص می‌شود؛ دودمان شیث با خداپرستی. بنابراین، گناه، از دواج مختلط بین خداپرستان و بی‌خدایان است. بنابراین ایده این است که دودمان شیث قادر به حفظ هویت خود به عنوان این دودمان خداپرست نیست، به جز خاندان نوح، استثنا وجود داشت، اما عموماً با مردم بی‌خدا از بین رفته است. نکته جالب این است که از آنجایی که این دو نسل با هم ترکیب شده‌اند، ابتکار عمل از نسل خداترس می‌آید، زیرا این پسران خدا، نسل شیث هستند که، همانطور که گفته شده، «وقتی دختران آدمیان را دیدند، زیبا بودند [این نسل قابیلی است]، از هر کسی که انتخاب می‌کردند، برای آنها همسر می‌گرفتند». بنابراین ابتکار عمل از نسل خداترس می‌آید، زیرا آنها جذابیت زن قابیلی را می‌بینند.

حالا، من فکر می‌کنم این دیدگاه هم مشکلاتی دارد. فکر می‌کنم مشکل اصلی اولیه این است که اصطلاح که کلمه‌ای برای مردان/بشریت است، *ha'adam* عبری، برای آن دسته از شما که عبری را تجربه کرده‌اید، یعنی یا مردان در دو معنای مختلف در آیه ۱ و آیه ۲ فهمیده شوند. *ha'adam* را مجبور می‌کند. این باعث می‌شود ببینید، در آیه ۱ می‌خوانید: «واقع شد که مردان، *ها/دام*»، شروع به تکثیر بر روی زمین کردند و دخترانی از آنها متولد شدند. «خب، به نظر می‌رسد که منظور از «مردان» در اینجا، به طور کلی، نوع بشر است، همانطور که انسان شروع به تکثیر کرد. وقتی به آیه ۲ می‌رسید، می‌خوانید: «پسران خدا دختران *ها/دام*، دختران آدمیان را دیدند.» و در آنجا، طبق این دیدگاه، مجبور می‌شوید بگویید که *ها/دام* به طور خاص به معنای نسل قابیلیان است. فقط یک طبقه در میان نوع بشر. این بدان معناست که شما باید *ها/دام* را در دو آیه بعدی به دو معنای مختلف در نظر بگیرید. من فکر می‌کنم واقعاً می‌توانید این سوال را مطرح کنید که آیا توجیهی برای انجام این کار در جریان عبارات وجود دارد یا خیر. به نظر می‌رسد که آنچه گفته می‌شود این است: «هنگامی که مردان شروع به تکثیر کردند، به طور کلی مردان، پسران خدا دختران آدمیان را به طور کلی دیدند. آنها زیبا بودند و از هر کسی که انتخاب می‌کردند، همسر می‌گرفتند.» به نظر می‌رسد که دختران هر دو آیه یکسان هستند. مردان نیز یکسان هستند. می‌بینید که در آیه ۱:۶ به دختران اشاره شده است: «هنگامی که آدمیان شروع به زیاد شدن بر روی زمین کردند، دخترانی برای ایشان متولد شدند.» مردان زیاد شدند و دخترانی برای ایشان متولد شدند. پسران خدا دختران آدمیان را دیدند.» آیا آنها همان دختران نیستند؟ بنابراین، به نظر من، این یک مشکل با این دیدگاه است.

دومین سوالی که با این تفسیر می‌توان مطرح کرد این است که چرا باید فرزندان این از دواج‌ها، یعنی از دواجی مختلط بین یک نسل خداترس و غیرخداترس، باید *نفالی‌ها* و *گیوریم‌ها* باشند. اینها ترجمه‌های عبری برای غول‌ها در آیه ۴ هستند. غول‌هایی وجود داشتند که در عبری *نفالی‌ها* هستند. و سپس بخش آخر آیه، «آنها برای آنها فرزندان به دنیا آوردند؛ آنها مردان قدرتمندی شدند»، یعنی *گیوریم‌ها*، که هر دو مردانی مشهور یا مردان نامی بودند، به معنای واقعی کلمه «مردان نامی». چرا باید فرزندان یک از دواج مختلط

این نوع افراد باشند؟ وقتی به دیدگاه چهارم خود نگاه کنیم، به بحث مفصل‌تر در مورد این اصطلاحات برمی‌گردم. و این دیدگاه پادشاهی الهی است.

#### د. دیدگاه پادشاهی

دو مقاله در آنجا وجود دارد که در فهرست منابع شما نیز موجود است. در فهرست منابع شما، صفحه حدود دو سوم پایین‌تر، مقاله کلاین در *مجله الهیات وست‌مینستر* «پادشاهی الهی در پیدایش ۶: ۱-۱۰، و لروی برنی، «مطالعه تفسیری پیدایش ۶: ۱-۴» در *مجله انجمن الهیات انجیلی* در سال ۱۹۷۰ را «۴» داریم. تز اساسی این دیدگاه این است که پسران خدا بهتر است به عنوان «پسران خدایان» ترجمه شوند. *الوهیم* جمع است، بسته به اینکه آن را به عنوان اشاره به خدای اسرائیل یا خدایان عبری در نظر بگیرید، می‌تواند مفرد یا جمع ترجمه شود. بهتر است به عنوان «پسران خدایان» ترجمه شود و در ارتباط با ایده باستانی خاور نزدیک از پادشاهی الهی تفسیر شود. بنابراین آنچه در اینجا به آن اشاره می‌شود، پادشاهان پیش از طوفان است. پسران خدایان انسان‌هایی بودند که پادشاه بودند، اما در اینجا به عنوان پسران خدایان معرفی شده‌اند. دختران مردان، به طور کلی دختران مردان خواهند بود و گناه، چندهمسری است.

حال بیایید به این موضوع به عنوان تز اصلی نگاه کنیم. در مقاله برنی، صفحه ۴۷، او در مورد رسم رایج اشاره به پادشاهان به عنوان پسران خدایان مختلف بحث می‌کند. و او می‌گوید که در مصر، پادشاه را پسر رع، خدای خورشید، می‌نامیدند. پادشاه سومری -آکادی فرزند الهه و یکی از خدایان محسوب می‌شد و به طور خاص به پادشاه به عنوان پسر خدایان اشاره می‌شد. پادشاه هیتی پسر خدای آب و هوا نامیده می‌شد. عنوان مادرش مادر خدا "بود. در زبان سامی شمال غربی، معمولاً پادشاه مستقیماً "پسر خدا" نامیده می‌شد. خدا پدر پادشاه" نامیده می‌شد. متن به خدایان به عنوان پدر پادشاه اشاره می‌کند و می‌گوید که پادشاه پسر بعل یا پسر خداست. پسران خدا یا پسران خدایان، به احتمال زیاد به *bene ha'elohim* بنابراین، بر اساس کاربرد سامی، اصطلاح حاکمان سلسله‌ای اشاره دارد، بر اساس شواهدی از آداب و رسوم باستانی خاور نزدیک به طور کلی. دختران مردان، به طور کلی فقط دختر بودند. گناه، چندهمسری بود.

در آیه ۲ توجه می‌کنید: «پسران خدا دختران آدمیان را دیدند که زیبا بودند. از هر که برگزیدند، برای خود همسر گرفتند.» از هر که برگزیدند، همسر گرفتند. و سؤال این است که حرف اضافه «از» را چگونه می‌فهمید؟ *است* «از هر که برگزیدند، برای خود همسر *min*» (در زبان عبری، حرف اضافه «آنان که عبری خوانده‌اید یا «از» را به عنوان *min* که در اینجا «از» ترجمه شده است. حال، تفسیر معمول این است که آن *min*، «گرفتند» مفعول در نظر بگیریم. به عبارت دیگر، هر کدام را که برگزیدند، بدون توجه به جایگاه معنوی یا هر چیزی از این قبیل، گرفتند. هر کدام را که برگزیدند، گرفتند. این ایده دیدگاه قبلی، دیدگاه از دواج مختلط، خواهد بود. درک

یا» از «در این دیدگاه پادشاهی الهی این است که توضیحی است، حتی تمام آنچه را که برگزیدند. آنها min همسرانی گرفتند به این معنا - حتی تمام آنچه را که برگزیدند - آنها هر تعداد همسری که می‌خواستند گرفتند. این «ایده جزئی نیست، بلکه یک ایده توضیحی است،» به هر تعدادی که برگزیدند.

حال، از نظر زمینه‌ای، این موضوع تا حدودی پایه و اساس دارد، زیرا به پیدایش ۴:۲۳ برمی‌گردید :

لَمَكْ به زنان خود گفت) «جمع. (ما می‌دانیم که لَمَكْ بیش از یک همسر داشت. همچنین، در ۶:۱ دارید: « هنگامی که مردان شروع به تکثیر یا بی‌شمار شدن بر روی زمین کردند «شاید این چند همسری با تکثیر جمعیت» مرتبط بوده باشد. این کمی بعیدتر است. اما اگر کمی فراتر برویم، اگر این توضیح گناه چند همسری باشد، پس مسئله این بود که پادشاهان الهی هر تعداد همسری که می‌خواستند می‌گرفتند. شما همچنین توضیحی برای استفاده از این اصطلاحات در آیه ۴ دارید «: *نَفَالی‌ها*، *گیبوریم‌ها*، مردانی به نام، فرزندان این پیوندها، این مردان قدرتمند بودند.» آنها این شاهزاده‌ها در این خانواده‌های این پادشاهان بودند که قدرت داشتند و به این عنوان شناخته می‌شدند. اصطلاح *نَفَالی‌ها* که به «غول‌ها» ترجمه می‌شود، اصطلاحی بسیار دشوار برای ترجمه است. ریشه‌شناسی آن مورد بحث است. اگر این اصطلاح را در کتاب *واژگان الهیاتی عهد عتیق - نمی‌دانم با* این دو جلد آشنا هستید یا نه - ویرایش شده توسط آر. کی. هریسون و بروس والتکه، که کلمات عبری را فهرست می‌کند و سپس مقالاتی در مورد معنی و کاربرد ارائه می‌دهد، جستجو کنید، می‌بینید. حال، می‌بینید که این اصطلاحی است که تا جایی که به معنای دقیق آن مربوط می‌شود، بسیار مبهم است. شاید قامت غول‌پیکر بخشی از دایره معنا باشد، اما به نظر می‌رسد که قوی‌ترین مفهوم آن احتمالاً این ایده از یک نوع جنگجو است. فهمیدن آن حتی ترجمه نمی‌کند. بسیار خوب، این ایده اساسی برای این درک NIV دشوار است. به همین دلیل است که پادشاهی الهی از آنچه در پیدایش ۶: ۱-۴ اتفاق می‌افتاد و گناه چه بود، است.

#### عامل خشونت

بنابراین، دیدگاه اسطوره‌ای، من واقعاً آن را قابل قبول نمی‌دانم، اما از سه دیدگاه دیگر، شما این ایده را دارید که گناه، رابطه جنسی بین فرشتگان و زنان است، یا ازدواج مختلط بین افراد خداترس و خداناباور است، یا این رابطه چند همسری این پادشاهان به اصطلاح الهی است - این رهبران این دولت-شهرها که این طبقه جنگجوی خشن از شاهزادگان را تولید می‌کنند که مردم اطراف را وحشت‌زده کرده‌اند. آیات ۱۲ و ۱۳ را بخوانید: «خدا به زمین نگاه کرد، اینک فاسد شده است، زیرا تمام بشر راه خود را بر روی زمین فاسد کرده است. خدا به نوح گفت: پایان تمام بشر به حضور من رسیده است، زیرا زمین به واسطه آنها پر از خشونت شده است.» در آنجا به خشونت اشاره می‌کنید: «زمین پر از خشونت است.» آن خشونت احتمالاً به این *نَفَالی‌ها*، *گیبوریم‌ها*، مردانی به این نام مربوط می‌شود. حال این متن، متن دشواری است. فکر می‌کنم بسیار سخت است که متعصب باشیم و بگوییم

فقط یکی از این برداشت‌های ممکن، برداشت صحیح است. و فکر می‌کنم سعی کرده‌ام یک ایده اولیه از این سه مورد به شما بدهم، و قرار نیست یکی یا دیگری را به شما تحمیل کنم. تمایل خودم به سمت مورد آخر، یعنی دیدگاه پادشاهی الهی است. بدیهی است که مواردی در کتاب مقدس وجود دارد که فرشتگان به شکل انسان درمی‌آیند. این درست است. اما در این صورت، گفتن اینکه آنها قادر یا علاقه‌مند به روابط جنسی با زنان بشر بوده‌اند، گام بعدی بزرگی است. اگر چنین چیزی باشد، این تنها نمونه از این موضوع در کتاب مقدس خواهد بود. این ممکن است. من آن را رد نمی‌کنم و نمی‌گویم که این امکان وجود ندارد.

## ۵. تاریخی بودن سیل

بسیار خوب، بیایید به زمان سیل پردازیم. چیز زیادی در مورد آن نمی‌گویم. این شماره ۴ است. ما قبلاً در مورد آن بحث کرده‌ایم و چندین بار به آن اشاره کرده‌ام، تنها راهی که می‌توانید زمان سیل را تعیین کنید، استفاده از شجرنامه‌ها است. در واقع شما باید از شجرنامه استفاده کنید، نه پیدایش ۵، اما باید با شجرنامه پیدایش شروع کنید زیرا دلیل آن این است که باید از نقاط ثابت زمانی که واقعاً با دوره پادشاهی اسرائیل شروع ۱۱ می‌کنید، به عقب برگردید. شما باید از زمان خروج و از خروج به پدران قوم برگردید، که می‌توانید تقریباً این کار را انجام دهید. و سپس می‌بینید که باید پیدایش ۱۱ را از ابرام به نوح ببرید و از شجرنامه پیدایش ۱۱ استفاده کنید و بگویید، اینجا سیل در فلان تاریخ بود. ما قبلاً در مورد این موضوع بحث کردیم که این کار غیرممکن است. در واقع اگر این ارقام را جمع کنید، فقط ۲۹۲ سال بین طوفان نوح و ابراهیم فاصله دارید، و اتفاقات زیادی باید رخ داده باشد، و داده‌های تاریخی زیادی وجود دارد که ما می‌دانیم و در این جدول نمی‌گنجد، اما به این نتیجه می‌رسیم که حتماً شکاف‌هایی وجود دارد، که عموماً از ویژگی‌های شجرنامه‌های کتاب مقدس است، بنابراین هیچ راهی برای تعیین دقیق آن تاریخ وجود ندارد.

بسیار خوب. ۵. «تاریخی بودن سیل» است. چیزی که می‌خواهم اینجا در موردش صحبت کنم، کل مسئله منشأ و ویژگی داستان سیل کتاب مقدس است. فکر نمی‌کنم بتوانیم این را زیر سوال ببریم که روایت کتاب مقدس قرار است به عنوان روایتی از چیزی که واقعاً اتفاق افتاده است، یعنی یک رویداد تاریخی، درک شود. در جای دیگری از کتاب مقدس، از سیل به معنای چیزی که اتفاق افتاده است، یاد شده است. متی ۲۴:۳۷ می‌گوید: «اما مانند ایام نوح، آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود. زیرا مانند ایام قبل از سیل، می‌خورند، می‌نوشیدند، ازدواج می‌کردند و شوهر می‌کردند تا روزی که نوح وارد کشتی شد و نفهمیدند تا زمانی که سیل آمد و همه آنها را برد، آمدن پسر انسان نیز چنین خواهد بود.» این مقایسه یا قیاس قطعاً فرض می‌کند که سیل چیزی بود که واقعاً اتفاق افتاد. در عبرانیان ۷:۱۱، می‌خوانید: «به ایمان، نوح، چون از جانب خدا درباره چیزهایی که تا آن زمان دیده نشده بود، هشدار یافته بود، با ترس حکومت کرد و کشتی‌ای برای نجات خانه خود ساخت.» سپس در دوم پطرس ۲، می‌خوانید که «خدا بر دنیای قدیم رحم نکرد، بلکه نوح، هشتمین شخص و واعظ عدالت را نجات داد و طوفان را

بر دنیای بی‌دینان آورد «در فصل ۳ از دوم پطرس، دوباره اشاره‌ای دارید»: که به وسیله آن، دنیایی که در آن زمان از آب لبریز بود، نابود شد «بنابراین واضح به نظر می‌رسد که کتاب مقدس این را به عنوان چیزی که واقعاً اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد.

برخلاف تاریخی بودن آن، بسیاری از مردم از داستان‌های مرتبط در میان اقوام دیگر، داستان‌های سیل بابل به ویژه بابلی‌ها، استفاده کرده‌اند و به دلیل شباهت بین داستان کتاب مقدس و داستان‌های خارج از کتاب مقدس، این نتیجه گرفته شده است که داستان کتاب مقدس فقط یک نسخه اصلاح‌شده از داستان بابلی است. مطمئنم که گفته‌ی فینگان در همین مورد را در صفحه‌ی ۳۶ به خاطر دارید. فینگان پس از بحث در مورد داستان سیل بابل می‌گوید: چنین است داستان سیل باستانی بابل که از عناصر شرک‌آلود خود پاک شد و در میان بنی‌اسرائیل باقی ماند. این « دو منبع اکنون در پیدایش ۶:۵ تا ۹:۱۷ در یک داستان تأثیرگذار به هم بافته شده‌اند «و او کاملاً بی‌پرده می‌گوید که داستان کتاب مقدس صرفاً اقتباسی از داستان بابلی است. گفته می‌شود داستان بابلی از یک سیل رودخانه‌ی بسیار جدی ناشی شده است که به شکلی که اکنون می‌بینیم، شاخ و برگ داده شده و به یادگار مانده است. بنابراین اگر این دیدگاه را اتخاذ کنید، مطمئناً تاریخی بودن داستان کتاب مقدس را به خطر می‌اندازید.

حالا، نکته‌ی قابل توجه این است که وقتی داستان‌های سیل کتاب مقدس و بابل را مقایسه می‌کنید، نکته‌ی قابل توجه این است که شباهت‌های زیادی بین آنها وجود دارد. در واقع، می‌توان گفت که اسکلت این دو داستان تقریباً یکسان است. حالا سعی کردم با این هشت نکته، این موضوع را شرح دهم. در هر دو داستان کتاب مقدس و بابل، سیل بزرگی رخ می‌دهد و تقریباً تمام جان انسان‌ها را می‌گیرد. بنابراین اولاً: «سیل بزرگی تقریباً تمام جان انسان‌ها را می‌گیرد.» ثانیاً، تعداد کمی از مردم به همراه برخی از حیوانات به وسیله‌ی یک کشتی نجات می‌یابند. این را در داستان کتاب مقدس و همچنین در داستان بابل می‌بینید. ثالثاً، مردم در هر دو داستان کتاب مقدس و بابل از قبل با وحی الهی از خطر پیش رو آگاه می‌شوند. چهارماً، دستور الهی ساختن یک کشتی یا قایق بود. پنجماً، این کشتی یا کشتی در هر دو روایت چندین داستان داشت. ششمماً، کشتی در پایان سیل بر روی کوهی آرام گرفت. هفتم افراد داخل کشتی با آزاد کردن چندین پرنده، شرایط بیرون را بررسی کردند. این روش نسبتاً جالبی برای تعیین این موضوع است، اما در هر دو روایت انجام شده است. سپس هشتم، مردم پس از آزادی از کشتی، قربانی‌ای را به خدا تقدیم کردند. بنابراین اگر آن عناصر را که عناصر اصلی داستان هستند در نظر بگیرید، آن عناصر اصلی را در هر دو روایت خواهید یافت. اکنون تفاوت‌هایی وجود دارد. شما شباهت در ساختار دارید، اما تفاوت‌های زیادی در جزئیات وجود دارد. من این را در چند دقیقه دیگر نشان خواهم داد، اما شما نه تنها ساختار یکسانی از تنوع و جزئیات دارید، بلکه نسخه‌های مختلفی از داستان‌های سیل بین‌النهرین نیز دارید.

شما یک نسخه سامری دارید که در آن قهرمانی که در داستان کتاب مقدس با نوح مطابقت دارد، مردی به نام زیوسودرا است. شما حماسه گیلگمش را دارید که فینگان به تفصیل در مورد آن بحث می‌کند و در آن قهرمان

متناظر با نوح، اوتناپیشتم است. و سپس نسخه دیگری از یک نوع داستان آکادیایی بابلی وجود دارد که حماسه آتراهاسیس نامیده می‌شود و در آن آتراهاسیس قهرمان داستان است. بنابراین تعدادی نسخه از داستان سیل بین النهرین وجود دارد. اساساً، همه آنها ساختار یکسانی دارند، اگرچه این ساختاری که من اینجا تکرار کردم در درجه اول از حماسه گیلگمش گرفته شده است. ما باید نتیجه بگیریم که باید نوعی رابطه وجود داشته باشد، اگر چنین ساختاری داشته باشید که در مطالب کتاب مقدس و خارج از کتاب مقدس بسیار نزدیک باشد، باید نوعی رابطه وجود داشته باشد.

قبل از اینکه به این سوال بپردازیم، اجازه دهید تصویری از تفاوت‌های بین داستان‌های سیل کتاب مقدس و بابل اینکه چطور گفتم رابطه ساختاری یکسانی دارید اما در جزئیات تفاوت‌هایی وجود دارد، به شما بدهم - یک جزئیات همین الان ذکر شد، مکعب در حماسه گیلگمش، که در داستان کتاب مقدس نیست. اما اجازه دهید چند نمونه از شباهت‌ها و تفاوت‌ها را برای شما بیان کنم. بیایید با آن شروع کنیم - با کشتی شروع کنیم. شباهت این است که به قهرمان هر دو داستان گفته می‌شود که یک کشتی بزرگ بسازد که به وسیله آن نجات یابد. هر دو روایت جزئیاتی از اندازه و ساخت، از جمله استفاده از مواد قیری برای ضد آب کردن آن، ارائه می‌دهند. هر دو در مورد آن صحبت می‌کنند. اما در مورد تفاوت‌ها، در حماسه گیلگمش، اوتناپیشتم گفت که قایق خود را با شش عرشه تهیه کرده است. و سپس فضای کف را به نه بخش تقسیم کرد. همچنین دارای در و حداقل یک پنجره بود. حال اگر آن را با داستان کتاب مقدس مقایسه کنید، کشتی نوح سه طبقه داشت. این را در پیدایش ۶:۱۶ می‌بینید، جایی که می‌خوانید: «چون کشتی را بسازی، آن را به اندازه یک ذراع از بالا تمام کن، و در کشتی را در داخل آن بگذار، و طبقات دوم و سوم پایینی را بساز.» بنابراین در یکی شش طبقه و در دیگری سه طبقه داری.

اگر به ابعاد نگاه کنید، پیدایش ۶:۱۵ می‌گوید که کشتی ۳۰۰ ذراع طول، ۵۰ ذراع عرض، ۳۰ ذراع ارتفاع داشت -- ۳۰۰ طول، ۵۰ عرض، ۳۰ ذراع ارتفاع. این پیدایش ۶:۱۵ است. اگر ذراع معادل فاصله از نوک انگشت وسط تا آرنج باشد، حدود ۱۸ اینچ می‌شود، که معمولاً به این صورت محاسبه می‌شود، کشتی حدود فوت طول، ۷۵ فوت عرض و ۴۵ فوت ارتفاع داشت. این یک قایق با اندازه مناسب است، یعنی از یک ۴۵۰ زمین فوتبال بلندتر است. ۷۵ فوت عرض، ۴۵ فوت ارتفاع. ۴۳۰۰۰ تن وزن. جالب است که کشتی‌سازی مدرن از همان نسبت‌های طول، عرض و ارتفاعی که در کشتی پیدا می‌کنید، پیروی می‌کند. اما شما این ابعاد را با کشتی اوتناپیشتم در حماسه گیلگمش مقایسه می‌کنید. قایق او دقیقاً یک مکعب بود، همانطور که اینجا ذکر شد، و هر ضلع آن ۱۲۰ ذراع بود. در روایت باروسیس از سیل بین‌النهرین، کشتی او ۹۰۰ متر طول و ۳۲۰۰ متر عرض داشت. بنابراین، به این اعداد نجومی می‌رسید. اما نکته من این است که شما شباهت چشمگیری دارید، و در اینجا به او گفته شده است که این قایق را بسازد، اما سپس در اطراف آن شباهت، نقاط اختلاف وجود دارد. تفاوت‌های زیادی در جزئیات وجود دارد. هر نکته‌ای را که از اینجا بررسی کنید، همان نوع چیز را خواهید یافت. اشاره به

شباهت، اما جنبه‌های زیادی از آن در جزئیات متفاوت است.

می‌بینم که وقت تمام شده. در ابتدای ساعت بعد چند مثال دیگر در این مورد برایتان خواهم زد، و بعد بحث خواهیم کرد که با این شباهت چه کنیم؟ چگونه آن را توضیح دهیم؟

رونویسی توسط کریستن بیب  
ویرایش خام توسط تد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط ریچل اشلی  
روایت مجدد توسط